

شاخص‌های کیفی عدالت از دیدگاه قرآن کریم*

سید مصطفی احمدزاده**

چکیده:

نظریات گوناگونی درباره عدالت در مکاتب دینی و غیر دینی نظم و نسق یافته و بررسی‌ها و نقدهایی نیز را به دنبال داشته است. در این میان، نظریه قرآنی عدالت، کمتر از سوی دانشمندان اسلامی مورد توجه قرار گرفته و لازم است ابعاد گوناگون آن، به ویژه بر پایه روش‌های نوین روشن گردد. یکی از ابعاد بسیار ناشناخته نظریه قرآنی عدالت، شاخص‌های عدالت از دیدگاه قرآن کریم است. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و بر اساس مدل شاخص‌نگاری دینی، آیات مربوط به عدالت در قرآن کریم را استخراج و تجزیه و تحلیل نموده و به چهار شاخص ابعادی «عدالت فرهنگی»، «عدالت سیاسی»، «عدالت اجتماعی» و «عدالت اقتصادی» دست یافته و شاخص‌های اصلی و کیفی هر یک را با استناد به آیات قرآن کریم توضیح داده است.

کلیدواژه‌ها:

عدالت فرهنگی / عدالت سیاسی / عدالت اجتماعی / عدالت اقتصادی / شاخص‌های عدالت / شاخص‌های کیفی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴.

** mostafa.ahmadzadeh@gmail.com

** استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

درآمد

عدالت از جمله بحث‌هایی است که ذهن دانشمندان دنیای معاصر را به خود معطوف ساخته است. نظریات گوناگون در باب چیستی عدالت از سوی مکاتب فلسفی و حقوقی دنیای غرب، افق‌های روشنی از ماهیت عدالت را گشوده است (واعظی، ۱۳۸۰-۷۷؛ یعقوبی، ۱۳۵۶-۲۰). اما در برابر آن، تبیین قرآنی از عدالت از سوی دانشمندان مسلمان کمتر مجال طرح یافته است. امروزه در فضای جامعه اسلامی، آسیب‌های ناشی از فقدان نظریه‌ای جامع و منسجم در ساحت عدالت، بیش از پیش خود را عیان ساخته است. این در حالی است که نظریه‌ای جامع و کامل است که افزون بر مبادی و مبانی نظری دقیق، از قدرت کاربردی بالایی در سطح اجرا نیز برخوردار باشد. یکی از اضلاع افزایش قدرت نظریه در سطح عملیات، شاخص‌ها هستند. تعیین و تبیین شاخص‌ها که نقش سنجش را ایفا می‌کنند، از یک سو ابعاد و پهنه نظریه را آشکار می‌سازند و از سوی دیگر، نظریه را به سطح اجرا نزدیک ساخته و ضعف و قوت‌های آن را در عمل نشان می‌دهند و از سوی سوم، راه را برای مقایسه، نظارت، سنجش و ... هموارتر می‌سازند.

از طرف دیگر، سبک و اسلوب قرآن کریم به‌گونه‌ای است که در تعریف مفاهیم، کمتر از روش مرسوم پیروی کرده و اغلب در قالب‌های نامعمول، از جمله بیان و معرفی مصادیق (بقره/۱۷۷)، معرفی موصوف (توبه/۱۹) و... به تعریف مفاهیم روی آورده است. برخی بر این باورند که این روش قرآن کریم، در راستای هدف هدایتی و تربیتی آن است (جوادی آملی، ۱۳۹۲/۹). بر این اساس پژوهشگران برای استخراج دیدگاه‌های قرآن کریم در خصوص تعریف مفاهیم، راه دشواری در پیش روی دارند. اما هنگامی که از سطح تعریف مفاهیم به سوی تعیین و تبیین شاخص‌های مفاهیم حرکت می‌کنیم، راه پیچیده‌تر و ناهموارتر به نظر می‌رسد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، شاخص‌نگاری بر اساس آموزه‌های قرآن کریم در راستای تبیین نظریات قرآنی اهمیت می‌یابد. از این رو هدف اصلی این نوشتار، تأمین زیرساخت‌های نظریه عدالت در ساحت شاخص‌های عدالت است. در حقیقت، شاخص‌نگاری عدالت راه را برای دست یافتن به نظریه عدالت از دیدگاه



قرآن کریم هموار می‌سازد؛ زیرا شاخص‌های عدالت ضمن نشان دادن ارتباط میان مفاهیم عدالت، پایه‌ها و مفاهیم اصلی نظریه عدالت را شکل می‌دهند. از سوی دیگر، شاخص‌ها به‌عنوان مفاهیم میانه، مجرای حضور «ارزش‌ها» در «دانش‌ها و ساختارها» هستند. نقش تعیین‌کننده شاخص‌ها در تبیین سازه‌های مفهومی عدالت به‌حدی است که هرگونه خطا در آن، انحراف در مفهوم‌شناسی عدالت را در پی خواهد داشت. بر این اساس، مسأله اصلی این پژوهش، به‌دست دادن شاخص‌های عدالت از دیدگاه قرآن کریم است.

روش‌شناسی شاخص‌نگاری

شاخص (Index) در لغت به‌معنای نمودار یا نشان‌دهنده یا نماینده می‌باشد و در اصطلاح، عبارت است از متغیری «کیفی» برای نظارت و پایش، یا متغیری «کمی» برای اندازه‌گیری و پیمایش محیطی و نیز مقایسه پدیده‌ها و تغییرات آنها در شرایط مختلف. هر شاخص نماینده یک چالش اصلی یا فرصت و مشکل کلان یا مسأله خرد انسانی و نشانی از یک نوید یا هشدار است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۲).

در شاخص‌نگاری از روش‌های مختلف استنتاجی - عقلی و استقرایی - تجربی برای طراحی شاخص در نظام‌های گوناگون استفاده می‌شود. با توجه به اینکه در این نوشتار منبع استخراج شاخص‌ها قرآن کریم است، بر پایه رویکرد نقلی و نص-گرایانه، روش استنتاجی - عقلی مبنا قرار گرفته است. بر اساس این روش‌شناسی، شاخص‌ها از ارزش‌ها حاصل می‌شوند و ریشه در معرفت‌شناسی دینی دارند که حضور دین را در تمامی حوزه‌های مغزافزایی و نرم‌افزاری، جاری و ساری می‌داند و استخراج زیرساخت‌های دانش بشری را بر عهده دین می‌نهد. سیطره حجیت دینی در زیرساخت‌ها، ضامن جریان دین در پیکره علوم، از جمله مفاهیم میانه و سازه، مانند نظام شاخص‌ها و استانداردها و کلیه قوانین و هنجارهای سازمانی و اجتماعی است که بشر برای اداره نظام معاش الهی به آنها نیازمند است.

رابطه ارزش - شاخص رابطه‌ای مستقیم و تقوومی است؛ گرچه متغیر اصلی در این منظومه ارزش‌ها هستند که نقش فانوس‌های دریایی را برای تفکیک راه از گرداب و صخره از دریا بازی می‌کنند. اصولاً ارزش‌ها نقاط روشن و زوایای تابناک آرمان‌شهر دینی هستند که از شناخت و تکثیر و وصل کردن این نقاط به یکدیگر، می‌توان محدوده دین را از غیر دین و نظام الهی را از مادی تعیین نمود. با این وصف، «شاخص‌ها» به‌عنوان مفاهیم میانه که مجرای حضور «ارزش‌ها» در «دانش‌ها و ساختارها» هستند، نمی‌توانند هر مبنای نظری را در هر نظام اجتماعی جریان دهند. اگر شاخص از جنس ارزش نباشد، واقعیت جامعه هدف قلب خواهد شد و در نتیجه، امکان نوسازی و اقامه جامعه نورانی توحیدی ممکن نخواهد شد. هر ارزش مبتنی بر یک بینش، زاینده یک شاخص، چراغ راه یک دانش و رقم‌زننده یک کنش متفاوت است. جامعه‌ای که ارزش‌ها را از تفکری دینی و شاخص‌ها را از تفکری غیردینی می‌گیرد، شانس بقا و تکثیر خود را در مقیاس تمدنی از دست خواهد داد (نیک‌منش، ۳۰).

روش تحلیل محتوای کیفی

مبنای این نوشتار بر روش تحلیل محتوای کیفی استوار است. روش تحلیل محتوای کیفی، روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده است (ایمان، ۲۰). بر این اساس، «هدف تحلیل محتوا، فراهم‌آوردن شناخت، بینشی نو و تصویری از واقعیت است» (کریپندورف، ۲۵). در حقیقت پژوهشگر قصد دارد به لایه‌های پنهانی متن راه پیدا کند و به مراد واقعی تولیدکننده پیام دست یابد و بر اساس متن، خطوط فکری پدیدآورنده پیام را شناسایی کرده و زمینه را برای فهم دقیق‌تری از متن فراهم سازد. فرایند روش تحلیل محتوای کیفی از شش مرحله تشکیل شده که بدین قرار است.



۱. انتخاب مسأله پژوهش

در این مقاله مسأله پژوهش این است: «شاخص‌های عدالت از دیدگاه قرآن کریم چیست؟» بر اساس این مسأله، از همین ابتدا برای پژوهشگر، دست کم دو نکته روشن است: ۱- این پژوهش تنها به متن قرآن کریم محدود است، بنابراین نه به روایات مربوط به عدالت می‌پردازد، و نه از دیدگاه‌های مفسران استفاده می‌کند. ۲- تنها بر بررسی شاخص‌های عدالت متمرکز است و به سایر مفاهیم مرتبط با عدالت نمی‌پردازد.

۲. گردآوری داده‌ها

در این پژوهش، متن قرآن کریم به‌عنوان منبعی مکتوب برای گردآوری داده‌ها در نظر گرفته شده است. برای دستیابی به شاخص‌های عدالت، نخست می‌بایست آیات مربوطه در قرآن کریم تعیین می‌شد. برای گردآوری این آیات، در گام اول، آیات مربوط به عدالت با تأکید بر واژه‌هایی مانند قسط، عدل، ظلم و... از قرآن کریم استخراج و با استفاده از فرهنگ‌نامه‌های موضوعی عمومی و تخصصی و کتاب‌های منتشر شده در باب عدالت در اسلام و قرآن، آیات دیگری به آیات پیشین افزوده شد. در گام دوم، آیات غیر مرتبط حذف شد.

۳. انتخاب واحد تحلیل

در این گام، پژوهشگر واحد تحلیل را انتخاب می‌کند. به‌طور کلی تحلیل محتوای کیفی دارای دو فرایند عام است: واحدبندی (تجزیه) و مقوله‌بندی (ترکیب). در واحدبندی، متن به واحدهایی از اطلاعات شکسته می‌شود که این واحدها، محور اساسی مقولات قرار می‌گیرند. در مقوله‌بندی، واحدهایی که در مفهوم مشابهی به هم مرتبط هستند، درون مقولات موقتی جمع می‌شوند (بیکمن و راگ، ۳۳۷). در این نوشته از میان واحدهای تحلیل، واحد مضمون (Theme) به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شده است. منظور از مضمون، معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۶).

«یک مضمون می‌تواند در قالب یک کلمه، یک عبارت، یک جمله، یک پاراگراف یا کل متن ابراز شود» (شانگ و باربارا، ۲). با توجه به هدف و مسأله پژوهش، لازم است مفاهیم و معانی نهفته در جملات درون آیات قرآن کریم درباره شاخص‌های عدالت، استخراج و کدگذاری شوند که «مضمون» کاملاً با این هدف و مسأله انطباق دارد. از سوی دیگر در این پژوهش، واحد زمینه، آیه/ آیات انتخاب شد.

۴. مفهوم‌سازی

در این مرحله، داده‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و کدگذاری می‌شوند. کد، برچسبی است که به یک واحد معنایی داده می‌شود. با توجه به انتخاب واحد مضمون به‌عنوان واحد تحلیل، مضامین درون آیات کدگذاری و یا به تعبیر دقیق‌تر، مفهوم‌گذاری می‌شوند. حاصل این مرحله، ساخت مفهوم‌هایی است که راه را برای مرحله بعدی، یعنی مقوله‌بندی هموار می‌سازد. مفهوم (Concept) بازنمایی انتزاعی یک رویداد، شیء و یا عمل/ تعامل است که پژوهشگر حضور آن را در داده‌ها مهم یافته است (استراوس و کرین، ۱۲۵). نکته مهم در فرایند مفهوم‌سازی، توجه به بستر^۱ و زمینه‌ای است که رویداد در آن رخ داده است؛ زیرا بستر است که مفهوم را به ذهن تحلیلگر القا می‌کند. به تعبیر قرآنی، سیاق است که تعیین‌کننده مفهومی است که از مضمون آیه برمی‌خیزد. به دیگر سخن، یک مضمون در دو سیاق، با دو مفهوم متفاوت کدگذاری خواهد شد. از این رو تحلیلگر باید پیوسته هنگام مفهوم‌سازی، به سیاق متن توجه تام داشته باشد.

۵. مقوله‌بندی

اگر مفهوم‌سازی را گام نخست نظریه‌پردازی در نظر بگیریم، مقوله‌بندی حلقه واسط مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر، فرایند مفهوم‌سازی در مقوله‌بندی ادامه می‌یابد، اما در شکلی انتزاعی‌تر که در نهایت به نظریه‌پردازی ختم می‌شود.

مقوله، مفهومی انتزاعی‌تر است که برخی مفهومی‌های دیگر را درون خود جای می‌دهد و استعداد توضیح آنان را دارد. تحلیل‌گر در همان مراحل اولیه پژوهش، مفهومی را که از انتزاع بیشتری برخوردار است و می‌تواند بسان چتری برخی از مفاهیم دیگر را در زیر عنوان خود جای دهد و جریان‌ها و ارتباطات مطرح میان آنها را تبیین کند، به‌عنوان نخستین مقوله پژوهش خویش برمی‌گزیند. در مرحله بعدی، تحلیل‌گر از نو، کدها و مفاهیم جدا را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد مشابه‌شان، در زیر یک مقوله گرد هم آیند؛ یعنی افزون بر تجزیه، ترکیب نیز اتفاق می‌افتد. در ادامه، تحلیل‌گر سعی می‌کند مقوله اصلی را به مقوله‌های فرعی متصل کند، اما لازم است مقوله‌های اصلی نیز به یکدیگر پیوندند و طرح نظر بزرگ‌تری را شکل دهند تا راه برای یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها و دستیابی به مقوله مرکزی هموار گردد.

۶. تفسیر نتایج

آخرین و مهم‌ترین مرحله از تحلیل محتوای کیفی، گام تفسیر نتایج است. در این مرحله، تحلیل‌گر نتایج حاصل از پژوهش خویش، یعنی پاسخ‌های پرسش‌های تحقیق را گزارش می‌کند.

تحلیل آیات عدالت

پیش از تحلیل شاخص‌های عدالت، نخست لازم است آیات مربوط به عدالت در قرآن کریم به همراه مفاهیم مستخرج از آنها گزارش شود.

مفاهیم	آیه
عدالت در کتابت قرارداد، عدالت در سرپرستی، سرپرست عادل، کاتب عادل	بقره/۲۸۲: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوا وَلِيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِّن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا

	<p>الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبُ الشُّهَادَةَ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُوبَهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُوبَهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَلَّحُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۸﴾</p>
<p>عدالت در هستی</p>	<p>آل عمران/۱۸: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْأَقْسَطِ لَإِلَهٍ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۸﴾</p>
<p>امر به قسط</p>	<p>آل عمران/۲۱: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بَغْيًا حَقًّا وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۲۱﴾</p>
<p>رفتار عادلانه با یتیم</p>	<p>نساء/۱۲۷: ﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي نِسَاءٍ قُلَّ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَىٰ نِسَاءٍ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿۱۲۷﴾</p>
<p>مؤمنان؛ مجری قسط در جامعه، فراگیری قسط، ناسازگاری هوای نفس و عدالت</p>	<p>نساء/۱۳۵: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۳۵﴾</p>
<p>قسط در شهادت دادن، عدالت در گواهی دادن، کینه‌های گروهی و حزبی؛ مانع عدالت، تاروپود بودن عدالت و تقوا</p>	<p>مائده/۸: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾</p>
<p>عدالت در داوری، عدالت درباره مخالفان، محبوبیت عدالت‌پیشگان نزد خداوند</p>	<p>مائده/۴۲: ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُم أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تَعَرَّضَ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۴۲﴾</p>
<p>دستور خداوند به عدالت</p>	<p>اعراف/۲۹: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿۲۹﴾</p>
<p>عدالت خداوند، پاداش عادلانه</p>	<p>یونس/۴: ﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿۴﴾</p>



<p>تقابل عدالت و ظلم، عدالت در قضاوت میان ستمگران، عدالت؛ عدم ظلم</p>	<p>یونس/۵۴: ﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾</p>
<p>عدالت در پیمانانه، عدالت در ترازو، عدالت در اقتصاد، عدم کم‌فروشی، پیمانانه کامل، ترازوی کامل، تقابل عدالت با فساد، اجرای عدالت در حد توانایی</p>	<p>هود/۸۸-۸۴: ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّقُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ ﴿۸۴﴾ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ... إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۸۵﴾</p>
<p>عدالت خردل و رزانه، ترازوی عادلانه، عدم اندکی ظلم، محاسبه عدالت</p>	<p>انبیاء/۴۷: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ﴾</p>
<p>عدالت در نسبت‌های فرزندخواندگی</p>	<p>احزاب/۵: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَا لَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾</p>
<p>عدالت در وزن‌کشی اجناس، استفاده صحیح از ترازو، عدم کم‌فروشی</p>	<p>الرحمن/۹: ﴿وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾</p>
<p>برخورد عادلانه با یتیمان، عدالت در اموال سختی عدالت‌ورزی، به‌کار بردن عدالت حتی برای ضعیفان، عدالت میان همسران</p>	<p>نساء/۳: ﴿وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنْ نِسَاءٍ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آذُنِي أَلَّا تَعُولُوا﴾</p>
<p>آگاهی خداوند به عدالت‌ورزی یا عدم عدالت‌ورزی، عدالت‌ورزی درباره یتیمان، عدالت در استفاده از اموال یتیمان، عدالت در ازدواج با زنان بی‌سرپرست، عدالت در برخورد با کودکان ناتوان</p>	<p>نساء/۱۲۷: ﴿وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي نِسَاءٍ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ مَا يُبَلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَىٰ نِسَاءٍ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا﴾</p>
<p>عدالت‌ورزی در مال یتیم، عدالت در وزن‌کشی اجناس، عدالت در پیمانانه‌کشی، عدالت در ترازو‌کشی، عدالت در گفتار، عدالت در گفتار؛ هرچند درباره نزدیکان، کامل پیمانانه کشیدن، تذکر خداوند در عدالت‌ورزی</p>	<p>انعام/۱۵۲: ﴿وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعَثَ اللَّهُ أَوْفُوا ذِكْرَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾</p>
<p>عدالت پیامبران در قضاوت میان مردم، عدالت در داوری، تقابل عدالت و ظلم</p>	<p>یونس/۴۷: ﴿وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ﴾</p>

	<p>وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱﴾</p>
<p>عدالت در پیمانہ کشی، کامل پیمانہ کردن هنگام پیمانہ کشیدن، استفاده از ترازوی درست، خیر بودن عدالت</p>	<p>اسراء/۳۵: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾</p>
<p>عدالت در پیمانہ کشی، عدالت در ترازو کشی هنگام خریدن، عدالت در ترازو کشی هنگام فروختن، عدم کم فروشی، عدم زیادخوری، استفاده از ترازوی درست</p>	<p>شعراء/۱۸۲: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿۱﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿۲﴾﴾</p>
<p>عدالت در جنگ، عدالت در صلح، عدالت ورزان محبوب خداوند، عدالت میان مؤمنان متخاصم</p>	<p>حجرات/۹: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَجَاثِلُوا الَّتِي تَبَغَى حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۱﴾﴾</p>
<p>پیامبران؛ عدالت گستر، ترازو و سیلهای برای سنجش عدالت، پیامبران؛ دعوت کننده مردم به عدالت، عدالت گستری میان مردم، پیوند دانش و عدالت، پیوند معنویت و عدالت، پیوند عقلانیت و عدالت</p>	<p>حدید/۲۵: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ يَبْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۱﴾﴾</p>
<p>عدالت ورزی با دشمنان بدون اقدام، عدالت پیشگان؛ محبوب خداوند</p>	<p>ممتحنه/۸: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۱﴾﴾</p>
<p>عدالت در قصاص، عدالت در آزاد و برده، عدالت در جنسیت، عدم تفاوت عدالت در زن و مرد، عفو بالاتر از عدالت، احسان بالاتر از عدالت، قوانین عادلانه</p>	<p>بقره/۱۷۸: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوٍ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱﴾﴾</p>
<p>همراهی عدالت با تقوا، عدالت در دفاع از تجاوز</p>	<p>بقره/۱۹۴: ﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۱﴾﴾</p>
<p>عدالت در طلاق رجعی، عدالت در ردوبدل کردن اموال زن و شوهر در طلاق، همراهی عدالت با حدود الهی، عبور از حدود الهی؛ عبور از عدالت</p>	<p>بقره/۲۲۹: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱﴾﴾</p>

بی عدالتی در تقسیم دختران و پسران بین خدا و کافران	نجم/۲۱-۲۲: ﴿الْكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۖ تِلْكَ إِذَا قَسَمْتَهُ ضِيزَىٰ﴾
امر به عدالت توسط خداوند، تقارب عدل و احسان، تذکر به عدالت‌ورزی از سوی خداوند	نحل/۹۰: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾
عدالت در داوری میان مردم، موعظه خداوند به عدالت‌ورزی،	نساء/۵۸: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾
عدالت درباره دشمن، عدالت در عقوبت دیدن	حج/۶۰: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوِبَ بِهِ...﴾
رفتار عادلانه پیامبر میان مردم، امر خداوند به پیامبر برای رفتار عادلانه میان مردم، عدالت‌ورزی؛ معلول توحید، عدالت‌ورزی؛ ثمره توحید، یکسانی همگان در برابر خداوند	شوری/۱۵: ﴿فَلِذَلِكَ فَادُعُ وَاَسْتَجِبْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾
عدالت میان ثروتمندان و مساکین، عدالت میان ثروتمندان و فقرا، عدالت میان ثروتمندان و درراه‌ماندگان، عدالت میان ثروتمندان و یتیمان	حشر/۷: ﴿مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾
عدالت در پرداخت مهریه به زنان	نساء/۴: ﴿وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِينًا مَرِيئًا﴾
عدالت در بهره‌برداری از اموال یتیمان، عدالت‌ورزی نسبت به یتیمان	نساء/۲: ﴿وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبْدِلُوهَا بِالْخَبِيثِ الطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾
عدالت‌ورزی خداوند، عدالت‌ورزی پیامبر اکرم، خداوند و رسول عین عدالت	نور/۴۸ و ۵۰: ﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ۖ أَفَبَىٰ قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾
عدالت در مجازات دشمن	نحل/۱۲۶: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوِبْتُمْ...﴾
عدالت در کلام	انعام/۱۱۵: ﴿وَوَعَدْتُمْ كَلِمَةً رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدَلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾
عدالت در بدی کردن، عفو بالاتر از عدالت، اصلاح بالاتر از عدالت	شوری/۴۰-۴۱: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۖ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ﴾

<p>امر به عدالت؛ ویژگی مؤمنان، عادلان بر راه راست، عدم برابری عادل با غیر عادل</p>	<p>نحل/۷۶: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْمًا يُوَجِّهُ لَأَيِّاتٍ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾</p>
<p>داوری پیامبران در میان مردم به عدالت</p>	<p>یونس/۴۷: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾</p>
<p>عدالت در همسرداری، سختی عدالت میان همسران</p>	<p>نساء/۱۲۹: ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ نِسَاءٍ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾</p>
<p>به عدالت رفتار کردن به واسطه حق</p>	<p>اعراف/۱۸۱: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾</p>
<p>به عدالت رفتار کردن به واسطه حق، حق؛ محور عدالت‌ورزی</p>	<p>اعراف/۱۵۹: ﴿وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾</p>
<p>عدالت در پیمان‌کشیدن، عدالت در وزن کشیدن، عدالت در ارزش‌گذاری اجناس و اموال مردم، پیوند عقلانیت و عدالت، هدف عدالت؛ اصلاح، شاخص عدالت؛ اصلاح، شاخص عدم عدالت؛ فساد، خیر بودن عدالت‌ورزی</p>	<p>اعراف/۸۵: ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾</p>

شاخص‌های عدالت در قرآن کریم

از تحلیل آیات قرآن کریم در ساحت عدالت، شاخص‌هایی به دست آمد که به سه دسته شاخص‌های ابعادی (مقولات ابعادی)، شاخص‌های اصلی (مقولات) و شاخص‌های کیفی (مفاهیم) تقسیم می‌شوند.

۱. شاخص‌های ابعادی

منظور از شاخص‌های ابعادی، شاخص‌هایی است که ابعاد عدالت را تفسیر می‌کنند. به زبان روش تحلیل محتوای کیفی، شاخص‌های ابعادی، همان مقوله‌های ابعادی هستند که هم ابعاد مقولات را مشخص می‌کنند، و هم انتزاع بیشتری دارند و می‌توانند سطح وسیعی از شاخص‌های اصلی را درون خود جای دهند. این شاخص‌ها علاوه بر روشنگری و اجمال‌زدایی، نمایانگر عناوین اصلی فرصت‌ها و تهدیدها و ضعف‌ها و قوت‌های حوزه عدالت می‌باشند. از دیگر سو، نقش عمده



شاخص‌های ابعادی، ترسیم تعادل و عدم تعادل نظام عدالت است و نقش تعادل‌ساز را در منظومه شاخص‌ها بازی خواهند کرد (نیک‌منش، ۳۵).

در قرآن کریم برای عدالت چند شاخص ابعادی ذکر شده که یکی از شاخص‌های ابعادی عدالت، «عدالت فرهنگی» است. در این آیه، از شاخص ابعادی «عدالت فرهنگی» سخن به میان آمده است: ﴿فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (شوری/۱۵). پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این آیه، ضمن بیان ایمان خود به قرآن کریم، اعلام می‌کند که خداوند به او دستور داده که میان مردم به عدالت رفتار کند. از این رو از دیدگاه قرآن کریم، فرهنگ حاکم بر مردم دارای شاخص‌هایی است که ابعاد گوناگون فرهنگ را نشانه رفته است که یکی از این شاخص‌های ابعادی، عدالت فرهنگی است.

کارکرد اصلی شاخص‌های ابعادی، دسته‌بندی نظری و دقیق‌تر شاخص‌های اصلی است. البته ناگفته نماند که شاخص‌های ابعادی پیش از شاخص‌های اصلی مشخص نمی‌شوند تا بر اساس آن، شاخص‌های اصلی تدوین و جایابی شوند، بلکه پس از به دست آمدن شاخص‌های اصلی، شاخص‌های اصلی همگون و مشترک و نزدیک به هم در دسته‌هایی قرار می‌گیرند و پس از آن، شاخص‌هایی که از انتزاع بیشتری برخوردارند، برای هر دسته انتخاب می‌شوند که شاخص ابعادی یا همان مقوله‌های ابعادی نامیده می‌شوند. نتیجه اینکه شاخص‌های ابعادی از رهگذر پالایش و دسته‌بندی شاخص‌های اصلی و از دل آنها به دست می‌آیند.

۲. شاخص‌های اصلی

شاخص‌های اصلی حد فاصل شاخص‌های ابعادی و شاخص‌های کیفی هستند. در حقیقت این شاخص‌ها همان مقولاتی‌اند که مجموعه‌ای از مفاهیم یا همان شاخص‌های کیفی را در خود جای داده‌اند. روشن است که این شاخص‌ها نیز کیفی‌اند، اما تفاوتی که با شاخص‌های کیفی دارند، انتزاع بیشتر آنان نسبت به شاخص‌های کیفی است. شاخص‌های اصلی در زیر شاخص‌های ابعادی قرار می‌گیرند تا یک سطح از انتزاع

آنان بکاهند. این کاستن در شاخص‌های کیفی نیز ادامه پیدا می‌کند تا راه برای رسیدن به شاخص‌های کمی یا همان سنجه‌ها هموار گردد.

تفکر در محتوای آیه پیش‌گفته نشان می‌دهد که پایه و درون‌مایه اساسی عدالت فرهنگی، «توحید» است. اگر بپذیریم که فرهنگ از چهار لایه باور، ارزش، رفتار و نماد تشکیل شده است (کریمی بندرآبادی، ۳۳)، در میان لایه‌های فرهنگ، «باور» نقش اساسی و محوری را در فرهنگ به‌عهده دارد؛ زیرا باور است که بر سایر لایه‌های فرهنگ تأثیرگذار است؛ هرچند به‌صورت محدود نیز از آنها تأثیر می‌پذیرد. از این‌رو توحید که بیشتر در ساحت جهان‌بینی و باور قرار می‌گیرد، به‌عنوان یک مقوله و یک شاخص اصلی فرهنگ و به‌دنبال آن عدالت فرهنگی، در قرآن کریم ظهور و بروز تام و تمامی دارد. اگر فرایند کاستن سطح انتزاع را در توحید ادامه دهیم، به سطح بعدی شاخص‌ها، یعنی شاخص‌های کیفی می‌رسیم که نسبت به شاخص‌های اصلی از انتزاع کمتری برخوردارند.

۳. شاخص‌های کیفی

شاخص‌های کیفی که در حقیقت در جایگاه مفاهیم و مؤلفه‌های عدالت قرار دارند، در رده‌بندی شاخص‌نگاری در سطوح پایانی قرار می‌گیرند. این شاخص‌ها که از انتزاع کمی برخوردارند، خود به دو دسته شاخص‌های عملیاتی و کمی تقسیم می‌شوند که شاخص‌های عملیاتی به‌عنوان عناصر صف گردآوری اطلاعات و آمار عمل می‌کنند و به‌تبع، بیشترین وزن از کارکردهای شاخص را به دلیل جایگاه ویژه سنجش (پیمایش‌گری) بر عهده دارند، اما شاخص‌های کمی - به‌ویژه در کارکرد پیمایش‌گری - تبدیل اطلاعات جمع‌بندی شده کیفی را به آمار کمی برعهده دارند (نیک‌منش، ۳۶). شاخص‌های کیفی نمایانگر ابعاد کیفی و کمی مسائل عدالت هستند که در کنار فرصت و تهدیدنمایی شاخص‌های ابعادی و اصلی، چرخه روشنگری این منظومه را در پایین‌ترین سطح کامل می‌کنند.

در آیه پیشین، «امر به عدالت از طرف خداوند» یک شاخص کیفی است که در زیر شاخص اصلی «توحید، اساس عدالت» قرار می‌گیرد. این شاخص کیفی یا مفهوم، به انضمام شاخص‌های کیفی و مفاهیم دیگر که تعدادشان نیز قابل توجه



است، شاخص اصلی را بارور می‌سازند. در حقیقت شاخص کیفی همان شاخص اصلی با سطح انتزاع کمتری است که پژوهشگر را یک گام به سنجه، یعنی شاخص کمی نزدیک‌تر می‌سازد.

در این پژوهش شاخص‌های کیفی به دست آمده از آیات قرآن کریم پس از پالایش و طبقه‌بندی، در چهار دسته قرار گرفتند که با توجه به ماهیت مفهومی هر دسته، مفهومی انتزاعی برای هر دسته انتخاب شد و بدین ترتیب، شاخص‌های ابعادی عدالت روشن شد که عبارت‌اند از: عدالت فرهنگی، عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی و عدالت اقتصادی. هرچند در این دسته‌بندی‌ها و انتخاب مقولات ابعادی چهارگانه پیش‌گفته نمی‌توان ادعا کرد که نظریه ابعاد چهارگانه فرهنگ (فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد) دخالت نداشته است، اما پژوهشگر سعی کرده تا حد ممکن، آن نظریه را مبنای این تقسیم‌بندی قرار ندهد و با استنطاق از خود قرآن کریم و بررسی دقیق مفاهیم و شاخص‌های کیفی و اصلی، به دسته‌بندی قابل قبولی دست پیدا کند.

۱. عدالت فرهنگی

مهم‌ترین شاخص ابعادی عدالت، عدالت فرهنگی است؛ زیرا این بُعد با حوزه هنر (قلب‌افزار)، معرفت (مغزافزار) و دانش (نرم‌افزار) سروکار دارد و به جهت محوریت عقلانیت در این شاخص، نسبت به سایر حوزه‌ها و شاخص‌ها اشراف دارد. از سوی دیگر، پایه عدالت بر توحید استوار است و حد فاصل برجسته و محوری نظریه عدالت در قرآن کریم با سایر نظریه‌های عدالت در مکاتب غیر اسلامی و فلسفه‌های غربی، توحید است و شاخص توحید به لحاظ ارتباط تنگاتنگش با عقل و معرفت، در عدالت فرهنگی جایابی می‌شود. به دیگر سخن، وجود شاخص توحید در دسته‌بندی عدالت فرهنگی، وزن این بُعد را افزایش داده، به طوری که در جایگاه نخست شاخص‌های ابعادی قرار گرفته است. روشن است که اگر بخواهیم میان چهار شاخص ابعادی، به لحاظ اهمیت، وزن تأثیرگذاری بر سایر شاخص‌ها، ریشه‌ای و محوری و کلیدی بودن و...، شاخص ابعادی نخست را تعیین کنیم که به نوعی

سایر شاخص‌های ابعادی دیگر را نیز سیراب و اشراب کند، باید بر شاخص ابعادی عدالت فرهنگی دست بگذاریم؛ زیرا شاخص اصلی «توحید» که پایه و اساس تمام شاخص‌های عدالت در قرآن کریم است، زیرمجموعه شاخص ابعادی عدالت فرهنگی است. این شاخص ابعادی خود از سه شاخص اصلی به دست آمده است: «توحید، اساس عدالت»، «شناخت عدالت» و «گستره عدالت».

الف) توحید، اساس عدالت

نخستین شاخص اصلی عدالت فرهنگی، «توحید، اساس عدالت» یا به صورت مختصر، «توحید» است. شاخص‌های کیفی آن که در آیات فراوانی از قرآن کریم گزارش شده، در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت فرهنگی		شاخص ابعادی
توحید، اساس عدالت		شاخص اصلی
تذکر خداوند در عدالت‌ورزی	همراهی عدالت با حدود الهی	شاخص‌های کیفی
عبور از حدود الهی، عبور از عدالت	حدود الهی شاخص عدالت‌ورزی	
امر به عدالت توسط خداوند	یکسانی همگان در برابر خداوند	
تذکر به عدالت‌ورزی از سوی خداوند	عدالت‌پیشگان، محبوب خداوند	
موعظه خداوند به عدالت‌ورزی	عدالت‌ورزی خداوند	
عدالت‌ورزی، معلول توحید	عدالت‌ورزان محبوب خداوند	
عدالت‌ورزی، ثمره توحید	عدالت خداوند	
	آگاهی خداوند به عدالت‌ورزی یا عدم عدالت‌ورزی	

ب) شناخت عدالت

دومین شاخص اصلی عدالت فرهنگی، «شناخت عدالت» است. روشن است که مفهوم‌شناسی و چیهستی عدالت با قوه تفکر مرتبط است. شاخص‌های کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت فرهنگی		شاخص ابعادی
شناخت عدالت		شاخص اصلی
خیر بودن عدالت	تقابل عدالت با فساد	شاخص های کیفی
خیر بودن عدالت ورزی	تقابل عدالت و ظلم	
تاروپود بودن عدالت و تقوا	تقابل هوای نفس و عدالت	
همراهی عدالت با تقوا	عفو بالاتر از عدالت	
پیوند دانش و عدالت	اصلاح بالاتر از عدالت	
پیوند معنویت و عدالت	احسان بالاتر از عدالت	
پیوند عقلانیت و عدالت	تقارب عدل و احسان	
محاسبه عدالت	عدالت، عدم ظلم	
شاخص عدالت، اصلاح	سختی عدالت ورزی	
شاخص عدم عدالت، فساد	هدف عدالت، اصلاح	

ج) گستره عدالت

سومین شاخص اصلی عدالت فرهنگی، «گستره عدالت» است. شاخص های کیفی آن نیز در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت فرهنگی		شاخص ابعادی
گستره عدالت		شاخص اصلی
عدالت خردل و رزانه	عدالت در کلام	شاخص های کیفی
عدالت در هستی	عدالت در گفتار	
قوانین عادلانه	عدالت در گفتار؛ هرچند درباره نزدیکان	

۲. عدالت سیاسی

دومین شاخص ابعادی عدالت، «عدالت سیاسی» است. این شاخص از یک سو از شاخص عدالت فرهنگی اشراق می شود،^۲ و از سوی دیگر بر عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز اشراق دارد؛ زیرا این شاخص ابعادی با حوزه «قدرت» سروکار دارد. قرآن کریم پس از مسأله توحید که لب و اساس عدالت است، بیشترین تأکید را بر عدالت در ساحت سیاسی دارد؛ زیرا در آیات متعددی نه تنها مسلمانان و مؤمنان را به عدالت در میان خودشان دعوت می کند؛ ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا

بَيْنَهُمَا فَإِنَّ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَتَ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٩﴾ (حجرات/۹)، بلکه بر عدالت در میان دشمنان و مخالفین‌شان نیز اصرار می‌ورزد؛ ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه/۸). از سوی دیگر، بر عدالت حقوقی و قضاوت و داوری عادلانه که نمود عینی عدالت در سطح جامعه است، پای می‌فشارد. این شاخص نیز بسان شاخص پیشین، از سه شاخص اصلی برخوردار است که عبارت‌اند از: «عدالت در سیاست»، «عدالت حقوقی» و «داوری عادلانه».

الف) عدالت در سیاست

نخستین شاخص اصلی عدالت سیاسی، «عدالت در سیاست» است. شاخص‌های کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت سیاسی		شاخص ابعادی
عدالت در سیاست		شاخص اصلی
عدالت در سرپرستی	کینه‌های گروهی و حزبی، مانع عدالت	شاخص‌های کیفی
عدالت در صلح	عدالت در جنگ	
عدالت در دفاع از تجاوز	عدالت درباره دشمن	
	عدالت درباره مخالفان	

ب) عدالت حقوقی

دومین شاخص اصلی عدالت سیاسی، «عدالت حقوقی» است. شاخص‌های کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت سیاسی		شاخص ابعادی
عدالت حقوقی		شاخص اصلی
عدالت در عقوبت دیدن	عدالت در کتابت قرارداد	شاخص‌های کیفی
اجرای عدالت در حد توانایی	عدم تفاوت عدالت در زن و مرد	
عدالت در قصاص	عدالت در جنسیت	
پاداش عادلانه	عدم برابری عادل با غیر عادل	
عدالت در بدی کردن	کاتب عادل	



ج) داوری عادلانه

سومین شاخص اصلی عدالت سیاسی، «داوری عادلانه» است. شاخص‌های کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت سیاسی		شاخص ابعدی
داوری عادلانه		شاخص اصلی
عدالت در قضاوت میان ستمگران	داوری پیامبران در میان مردم به عدالت	شاخص‌های کیفی
قسط در شهادت دادن	عدالت پیامبران در قضاوت میان مردم	
عدالت در گواهی دادن	عدالت در داوری	
	عدالت در داوری میان مردم	

۳. عدالت اجتماعی

سومین شاخص ابعدی عدالت، «عدالت اجتماعی» است. این شاخص با حوزه «روابط» سروکار دارد. منظور از روابط در اینجا از کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده، که کانون شکل‌گیری نخستین ارتباطات میان همسران و فرزندان است، آغاز می‌شود و تا بزرگ‌ترین واحد اجتماعی یعنی جامعه راه، که مظهر انواع و اقسام ارتباطات از ساده تا پیچیده است، دربر می‌گیرد. نکته مهمی که در این شاخص از دیدگاه قرآن بسیار محل تأمل است، عدالت نسبت به یتیمان است. شاید بتوان گفت از آنجا که این قشر آسیب‌دیده کمتر مورد توجه جامعه قرار می‌گیرد و از نعمت خانواده نیز محروم است، از دیدگاه قرآن کریم در میانه پیوستار واحدهای اجتماعی قرار می‌گیرد. از این رو قرآن کریم در پی آن بوده است تا با تکرار عدالت نسبت به یتیمان، از پایمال شدن حقوق مادی و معنوی آنان جلوگیری کند و فضای لازم را برای برگشت آنان به جامعه، با تشکیل خانواده فراهم سازد. این شاخص می‌تواند یکی از شاخص‌های کلیدی تفاوت نظریه عدالت قرآن کریم با سایر نظریات در باب عدالت باشد. این شاخص نیز دارای سه شاخص اصلی است که عبارت‌اند از: «عدالت در خانواده»، «عدالت در جامعه» و «عدالت نسبت به یتیمان».

الف) عدالت در خانواده

نخستین شاخص اصلی عدالت اجتماعی، «عدالت در خانواده» است. شاخص‌های کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت اجتماعی		شاخص ابعدی
عدالت در خانواده		شاخص اصلی
عدالت در میان همسران	عدالت در پرداخت مهریه به زنان	شاخص‌های کیفی
عدالت در نسبت‌های فرزندخواندگی	سختی عدالت در میان همسران	
عدالت در همسراری	عدالت در ردوبدل کردن اموال زن و شوهر در طلاق	
عدالت در طلاق رجعی	عدالت در ازدواج با زنان بی سرپرست	

ب) عدالت در جامعه

دومین شاخص اصلی عدالت اجتماعی، «عدالت در جامعه» است. شاخص‌های کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت اجتماعی		شاخص ابعدی
عدالت در جامعه		شاخص اصلی
عدالت در آزاد و برده	امر خداوند به پیامبر برای رفتار عادلانه میان مردم	شاخص‌های کیفی
عدالت در مجازات دشمن	به‌کار بردن عدالت حتی برای ضعیفان	
عدالت در میان مؤمنان متخاصم	رفتار عادلانه پیامبر در میان مردم	
عدالت میان ثروتمندان و درراه‌ماندگان	سرپرست عادل	
عدالت میان ثروتمندان و فقرا	پیامبران، دعوت‌کننده مردم به عدالت	
امر به قسط	عدالت میان ثروتمندان و مساکین	
پیامبران، عدالت‌گستر	عدالت‌گستری در میان مردم	
عدالت‌ورزی پیامبر اکرم	مؤمنان، مجری قسط در جامعه	
فراگیری قسط	امر به عدالت، ویژگی مؤمنان	



ج) عدالت نسبت به یتیمان

سومین شاخص اصلی عدالت اجتماعی، «عدالت نسبت به یتیمان» است. شاخص‌های کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت اجتماعی		شاخص ابعادی
عدالت نسبت به یتیمان		شاخص اصلی
رفتار عادلانه با یتیم	عدالت در اموال یتیمان	شاخص‌های کیفی
عدالت در استفاده از اموال یتیمان	عدالت در بهره‌برداری از اموال یتیمان	
عدالت میان ثروتمندان و یتیمان	برخورد عادلانه با یتیمان	
عدالت‌ورزی نسبت به یتیمان	عدالت‌ورزی در مال یتیم	

۴. عدالت اقتصادی

چهارمین شاخص ابعادی عدالت، «عدالت اقتصادی» است. این شاخص با حوزه «ثروت» ارتباط دارد. اگر عدالت را به درختی تشبیه کنیم، عدالت فرهنگی: ریشه، عدالت سیاسی: تنه، عدالت اجتماعی: شاخه و عدالت اقتصادی: میوه آن خواهد بود. در حقیقت عدالت فرهنگی، محتوای عدالت را به سایر ابعاد عدالت تزریق می‌کند و عدالت سیاسی و اجتماعی در حکم ساختارهایی برای پیاده‌سازی آن محتوا هستند که خروجی این سه بُعد، خود را در عدالت اقتصادی نشان می‌دهند.

همچنان که پیش‌تر آمد، «عدالت فرهنگی» به دلیل دارا بودن شاخص کیفی «عدالت»، در صدر شاخص‌های ابعادی عدالت قرار می‌گیرد. ظاهراً در اینکه توحید بنیادی‌ترین مفهوم در قرآن کریم است، اختلافی نباشد. افزون بر آن، این شاخص با ساحت عقل و معرفت ارتباط دارد و روشن است که عقل و معرفت نسبت به سایر حوزه‌ها در صدر قرار دارد.

در رتبه بعدی، «عدالت سیاسی» جای می‌گیرد؛ زیرا از یک سو با ساحت «قدرت» مرتبط است که به نوعی بر ساحت‌های دیگر، یعنی ارتباط و ثروت هم تقدم دارد و هم اشراف. از سوی دیگر، دایره این بُعد بسیار فراتر از ابعاد دیگر عدالت است، به طوری که نه تنها سیاست درون جامعه را دربر می‌گیرد، بلکه

سیاست در درون امت واحدهٔ اسلام و نیز در فضای بین‌المللی - چه دوستان و چه دشمنان - را نیز دربر می‌گیرد. این بُعد از عدالت می‌تواند زمینهٔ مناسب را برای دو بُعد دیگر عدالت فراهم سازد. در حقیقت هرگونه آسیبی در این بُعد، بلافاصله آسیب در دو بُعد دیگر را در پی خواهد داشت. نیز بیفزاییم که «عدالت حقوقی» و «داوری عادلانه»، دو شاخص اصلی حیات یک جامعه‌اند.

در رتبهٔ سوم، «عدالت اجتماعی» قرار دارد. این بُعد از یک طرف با ساحت «روابط» سروکار دارد که نسبت به حوزهٔ «ثروت» از دایرهٔ گسترده‌تری برخوردار است، و از طرف دیگر، شاخص کیفی خانواده - سنگ بنای هر جامعه - را در خود جای داده است.

در رتبهٔ نهایی، «عدالت اقتصادی» جای می‌گیرد. عدالت اقتصادی آخرین حلقه از عدالت است که نمودی از وضعیت سایر انواع عدالت است. عدالت اقتصادی در پیشانی^۳ عدالت یک جامعه، نمایشگر سایر ابعاد عدالت است. با رصد عدالت اقتصادی در یک جامعه، به راحتی می‌توان به میزان اجرای عدالت در لایه‌های گوناگون جامعه پی برد. از این رو است که قرآن کریم بیشترین تأکیدات و پرکاربردترین آیات در باب عدالت را بر عدالت اقتصادی متمرکز ساخته است. آن هم نه بر بخش ارزش‌گذاری، بلکه بر بارزترین نمود عدالت در جامعه، یعنی دادوستد مالی خرد میان مؤمنان که خود را در سنجش و توزین کالا نشان می‌دهد، انگشت نهاده و پیوسته بر سنجش دقیق و ترازوی درست تأکید ورزیده است. شاید بتوان گفت اگر عدالت در خردترین، عینی‌ترین و قابل لمس‌ترین سطح خود به‌درستی رعایت شود، راه برای رعایت عدالت در سایر سطوح نیز هموار خواهد شد. البته این نکته با مطالب پیش‌گفته منافاتی ندارد؛ زیرا از نگاه قرآن کریم، همه ابعاد عدالت در یکدیگر اثرگذارند، اما آنچه اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر ابعاد عدالت دارد، همان مراتبی است که پیش‌تر بدان اشاره شد. نیز باید گفت که در همه موارد، تکرار یک مطلب یا تأکید قرآن کریم بر یک نکته، دلیلی بر اهمیت بنیادین آن مطلب نیست، بلکه قرآن کریم از شاخص‌های گوناگونی برای مهم جلوه دادن مفاهیم



بهره می‌گیرد که یکی از این شاخص‌ها، تکرار کمی است. نیز نکات تربیتی متعددی در سبک عدالت‌آموزی قرآن کریم نهفته است که در جای دیگر باید دنبال کرد.

اما در اینجا لازم است به نکته‌ای اشاره‌ای گذار شود تا بحث به‌نوعی کامل شود. در اغلب آیاتی که سخن از سنجش و ترازو آمده است، قرآن کریم بحث سنجش در کالا را به سنجش اعمال در قیامت پیوند داده است. گویی قرآن در نظر داشته تا معاد را که در آن عدالت به‌معنای قرآنی‌اش اجرا خواهد شد، برای مؤمنان به تصویر بکشد و گوشزد کند که ای مؤمنان! اگر در دنیا عدالت / ظلم ورزیدید، نتیجه آن را در آخرت خواهید دید. نیز پیوندی باشد بر ارتباط توحید در عدالت فرهنگی در یک سوی پیوستار عدالت و سنجش، و به دنبال آن معاد در عدالت اقتصادی در سوی دیگر پیوستار عدالت. عدالت در قرآن کریم پویاست و همه ابعاد آن مانند تاروپود درهم تنیده است.

این شاخص تنها دارای دو شاخص اصلی است که یکی ناظر به بُعد ارزش‌گذاری اقتصادی است که به‌نوعی به لایه زیرین اقتصاد نظر دارد، و دیگری ناظر به بُعد سنجش کالا است که به لایه رویین اقتصاد توجه دارد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: «عدالت در ارزش‌گذاری» و «عدالت در سنجش (وزن)».

ب) عدالت در ارزش‌گذاری

نخستین شاخص اصلی عدالت اقتصادی، «عدالت در ارزش‌گذاری» است. تنها شاخص کیفی آن در جدول زیر ارائه شده است.

شاخص ابعادی	عدالت اقتصادی
شاخص اصلی	عدالت در ارزش‌گذاری
شاخص کیفی	عدالت در ارزش‌گذاری اجناس و اموال مردم

ب) عدالت در سنجش (وزن)

دومین شاخص اصلی عدالت اقتصادی، «عدالت در سنجش وزن» است. شاخص‌های کیفی آن نیز در جدول زیر ارائه شده است.

عدالت اقتصادی		شاخص ابعادی
عدالت در سنجش (وزن)		شاخص اصلی
ترازوی کامل	استفاده از ترازوی درست	شاخص‌های کیفی
عدالت در وزن‌کشی اجناس	استفاده صحیح از ترازو	
عدالت در وزن کشیدن	پیمانه کامل	
کامل پیمانه کردن هنگام پیمانه کشیدن	ترازو، وسیله‌ای برای سنجش عدالت	
کامل پیمانه کشیدن	ترازوی عادلانه	
عدالت در ترازو‌کشی هنگام خریدن	عدالت در پیمانه	
عدم زیادخوری	عدالت در پیمانه‌کشی	
عدم کم‌فروشی	عدالت در پیمانه کشیدن	
عدالت در اقتصاد	عدالت در ترازو	
عدالت در ترازو‌کشی هنگام فروختن	عدالت در ترازو‌کشی	

نتیجه‌گیری

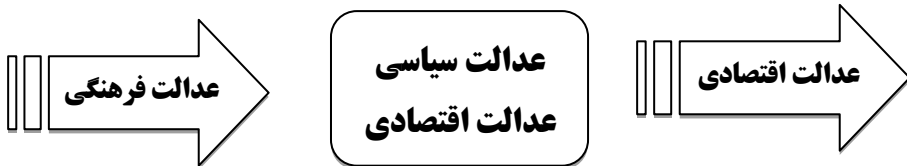
پس از آنکه شاخص‌های چهارگانه ابعادی و شاخص‌های اصلی هر یک و به دنبال آن، شاخص‌های کیفی هر شاخص اصلی مشخص شد، حال لازم است به‌عنوان نتیجه‌گیری، ارتباطات میان این شاخص‌ها و تأثیر و تأثرات آنها از/بر یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد. در جدول زیر، درهم‌کرد شاخص‌ها آمده است.

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های ابعادی	عدالت
شناخت عدالت	عدالت فرهنگی	عدالت
توحید، اساس عدالت		
گستره عدالت		
داوری عادلانه	عدالت سیاسی	
عدالت حقوقی		
عدالت در سیاست		

عدالت در خانواده	عدالت اجتماعی	
عدالت نسبت به یتیمان		
عدالت در جامعه		
عدالت در ارزش گذاری	عدالت اقتصادی	
عدالت در سنجش (وزن)		

بر اساس جدول بالا، عدالت فرهنگی در صدر و عدالت اقتصادی در ذیل قرار دارد. این ترکیب به این معناست که جنس عدالت فرهنگی که معرفت و عقلانیت است، بر سایر شاخص‌ها اشراف دارد و نقش یک شاخص بنیادی را در بحث عدالت ایفا می‌کند. همچنین عدالت سیاسی و اجتماعی که حلقه واسط میان عدالت فرهنگی و عدالت اقتصادی هستند، نقش یک شاخص ساختاری را به عهده دارند که پردازش عدالت در ساختارهای سیاسی و اجتماعی - حقوقی جامعه را دنبال می‌کنند که نسبت به شاخص عدالت فرهنگی، به لحاظ جنس ساختاری‌شان از یک سو از نمود بیشتری برخوردارند و بروز و ظهور بیشتری دارند، و از سوی دیگر نسبت به شاخص عدالت اقتصادی، از ملموس بودن و عینی بودن کمتری برخوردارند. و در آخر، عدالت اقتصادی جایابی می‌شود که بارزترین نمود را دارد و یک شاخص تمام‌عیار نمودی است. به دیگر سخن، عدالت فرهنگی در جایگاه شاخص دروندادی، و عدالت سیاسی و اجتماعی در جایگاه شاخص فرایندی، و عدالت اقتصادی در جایگاه شاخص بروندادی قرار می‌گیرند.

شاخص بنیادی شاخص ساختاری شاخص نمودی



شاخص‌های کیفی در این پژوهش، زیربنای نظام شاخص‌های عدالت محسوب می‌شوند. دستیابی به شاخص‌های روبنایی و کمی، از طریق لایه‌های پایین‌تر نظام شاخص‌ها، یعنی سنجه‌ها امکان‌پذیر است که از هدف این نوشتار بیرون است.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از «بستر»، پس‌زمینه یا موقعیتی است که واقعه در آن جای دارد.
۲. برخی بر این عقیده‌اند که حوزه سیاست بر حوزه فرهنگ مقدم است؛ زیرا در اسلام، انگیزه بر باور مقدم است. اما در این پژوهش بر خلاف این دیدگاه، فرهنگ بر سیاست مقدم شده؛ زیرا تقدم باور بر انگیزه و بینش بر گرایش، مبنا قرار گرفته است.
۳. منظور از پیشانی، بُعد نمودی و نشانگری آن است، نه بُعد بالایی و برتری و اشراف داشتن آن بر سایر شاخص‌ها.

منابع و مأخذ

۱. استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت؛ مبنای پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی، ۱۳۹۴ ش.
۲. ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا؛ «تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۴۴-۱۵.
۳. بیکن، لئونارد؛ راگ، دبرا؛ روش‌های کاربردی پژوهش اجتماعی، ترجمه سجاد یاهک و همکاران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۲ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ ش.
۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ تیپ پیوست فرهنگی، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی‌تا.
۶. کریندورف، کلوس؛ تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ ش.
۷. کریمی بندرآبادی، محمدعلی؛ ماهیت واقعی مهندسی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، یزد، نخبگان دانش، ۱۳۸۹ ش.
۸. معروفی، یحیی؛ یوسف‌زاده، محمدرضا؛ تحلیل محتوا در علوم انسانی، همدان، سپهر دانش، ۱۳۸۸ ش.
۹. نیک‌منش، ابراهیم و دیگران؛ مدل شاخص‌نگاری و نظام شاخص‌های فرهنگی، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی و استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۱۰. واعظی، احمد؛ نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. یعقوبی، داریوش؛ درک ایرانیان از عدالت، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۸۸ ش.

12. Zhang, Yan; Wildemuth, Barbara M.; **Qualitative Analysis of Content**, <https://www.ischool.utexas.edu>.